

بازنگری بر پایه‌های مشترک نظریه‌های مناسک تعامل و نحو فضا^۱

آتاناز درانی‌عرب^{۱*}، محمود قلعه‌نویی^۲، بهادر زمانی^۲، و امیر محمد معززی مهر طهران^۴

۱- کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

۲- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

۳- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

۴- مدرس دانشگاه و پژوهشگر دکتری مرمت شهری دانشگاه هنر اصفهان

a.dorraniarab@gmail.com

چکیده

شکل‌گیری فرآیندهای اجتماعی در متن زندگی روزمره در شهر و رابطه اجتماع و فضا موضوعی است که نظریه نحو فضا از دیدگاهی فضایی به آن پرداخته است. این نظریه که زیربنای اجتماعی خود را از نظریات دورکیم با رویکرد کلان الهام گرفته است، در مواردی هنوز ابهاماتی از دیدگاه حوزه جامعه‌شناسی دارد. از سویی دیگر نظریه مناسک تعامل نیز بر پایه همان سنت دورکیمی، اما در جامعه‌شناسی خرد بنا شده، و در بعد فضایی که بدان اشاره می‌کند ناتمام مانده است. هردو این نظریه‌ها به نقش اساسی مفهوم هم‌حضور در شکل‌گیری فرآیندهای اجتماعی اشاره می‌کنند اما هر یک از رویکردی متفاوت به اهمیت هم‌حضور می‌رسند. بازنگری بر این دو نظریه و مفاهیم مشترک آن‌ها از طریق مروری بر ادبیات، به نظریه لیبست می‌رسد که ترکیب این دو نظریه را پاسخ به سوال‌هایی می‌داند که در متن هر یک از آن‌ها بی‌جواب مانده‌اند. چنین نظریه‌ای می‌تواند از سویی پشتوانه مباحث اجتماعی مطرح شده در نظریه نحو فضا را تقویت کند و از دیگر سو بعد فضایی نظریات اجتماعی را در حوزه جامعه‌شناسی روشن‌تر سازد.

واژگان کلیدی: نظریه نحو فضا، نظریه مناسک تعامل، هم‌حضور

۱- مقدمه

بررسی رابطه اجتماع و فضا در حوزه شهرسازی از آن‌جا که هردو از ابعاد مهم آن تلقی می‌شوند و فضا بستری برای اجتماع و فرآیندهای اجتماعی محسوب می‌شود همواره مهم بوده است. پیچیدگی‌های رابطه این دو بعد و اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر مطالعاتی بین رشته‌ای را می‌طلبد. یکی از نظریاتی که در این دهه‌های اخیر در خصوص تحلیل و بررسی رابطه اجتماع و فضا شکل گرفته و رشد و توسعه پیدا کرده، نظریه نحو فضا است. در این نظریه به رابطه انسان‌ها با محیط اطرافشان و انسان‌ها با یکدیگر پرداخته شده است که دو رابطه اساسی در این نظریه تلقی می‌شوند (Marcus, 2015). هندسه شناختی که این نظریه در تحلیل فرم فضایی به کار می‌گیرد مربوط به رابطه انسان‌ها با محیط اطرافشان است؛ در ارتباط با رابطه انسان‌ها با یکدیگر که منجر به تولید فرآیندهای اجتماعی می‌شود، مفهوم هم‌حضور در این نظریه، به عنوان مفهومی که نقشی اساسی در شکل‌گیری این فرآیندها دارد برجسته شده است (ibid). اما با وجود احاطه بر اهمیت سهم نظریه نحو فضا در خصوص مطالعه رابطه اجتماع و فضا و تلاش آن برای ارتباط روش‌شناسی آن با نظریه‌های اجتماعی، کماکان مورد انتقاد از سوی جامعه‌شناسی است (Liebst, 2014). اهمیت نقش هم‌حضور را در نظریه‌های جامعه‌شناسی یه ویژه، به طور واضح می‌توان در نظریه مناسک تعامل^۲ کالینز^۳

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آتاناز درانی‌عرب، با موضوع «منطق اجتماعی و فضایی تغییرات بافت شهری: ارتباط بین پیکره‌بندی فضایی و هم‌حضور؛ نمونه موردی: شهر نائین»، با راهنمایی دکتر محمود قلعه‌نویی و دکتر بهادر زمانی و مشاوره مهندس امیرمحمد معززی مهرطهران در دانشگاه هنر اصفهان است.

2 interaction ritual

3 Collins